

ستایش فرزانگی

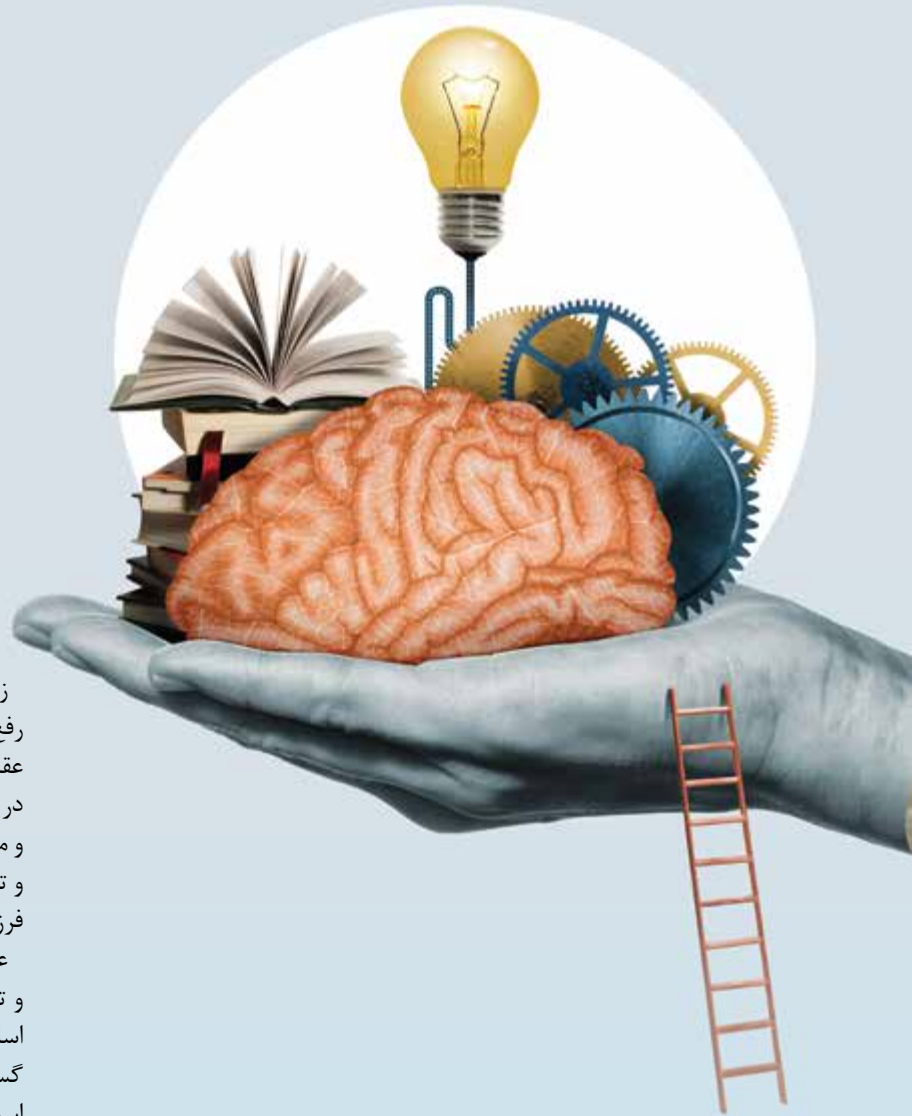
هانیه ملکی

زندگی منهای فرزانگی شایسته بشر نیست. بخش عمده رفع مشکلات و توسعه جنبه‌های اساسی زندگی، با سرپنجه عقل و تدبیر انجام می‌پذیرد. واقعاً از همان آغاز حیات بشر در زمین چنین تقدیر شد که انسان‌ها عاقلانه زندگی کنند و مدبرانه پیش بروند. این قاعده شامل حال همگان است و تفاوتی در موقعیت آدم‌ها ندارد. هر جا آدم هست، باید فرزانگی باشد.

علم و عالمان رشته‌های گوناگون نیز جز از طریق تعقل و تدبیر قادر به بهسازی امور نیستند و نمی‌توانند گام‌هایی اساسی در طریق علم بردارند. باید گفت، عقل و علم نسبتی گسستگی‌ناپذیر دارند و یکی بدون دیگری بی‌تردید ناقص است. عقل با علم زیبا و علم با عقل نافذ می‌شود. این نسبت الهام‌بخش علم و عقل در مشاوره به‌طور مضاعف مهم است و قاعدتاً مشاور باصلاحیت کسی است که در رشته علمی مشاوره دانش اندوخته است.

نسبت علم و عقل را از همان گام نخست باید منظور و مطالبه کرد. گام نخست فهم درست جایگاه مشاوره و به دنبال آن مفاهیم بنیادین این عرصه و در نهایت اصول و روش‌های این علم است. فهم عمیق جز از طریق به‌کارگیری فرزانگی در تبادل و پردازش داده‌های مشاوره‌ای حاصل نمی‌شود. گاهی یک مفهوم اساسی مشاوره را عقل امضا نکرده و صاحب مفهوم را متحیر نگه

**عقل با علم زیبا و علم با عقل
نافذ می‌شود. این نسبت
الهام‌بخش علم و عقل در
مشاوره به‌طور مضاعف
مهم است**



این پرسش مقالاتی بنویسد، ولی در بازکردن گره فکری و روحی مراجع ناشایست عمل کند!

شایستگی مشاور را، علاوه بر وجه علمی، مهارت‌های عملی تحقق می‌بخشند. البته مهارت‌های عملی نیز با خصوصیت‌های فردی مشاور مجوز اثر می‌گیرند. آیا همه مهارت‌های مشاوره نافذ هستند؟ آیا مشاور می‌تواند با مهارت‌هایش گره‌های ذهنی، اجتماعی یا عاطفی مراجع را بگشاید؟ پاسخ این پرسش‌ها مشروط است. بستگی به این دارد که این مهارت‌ها با کدام خصوصیت‌های فردی نهادینه‌شده در مشاور رهبری شوند. به نظر نگارنده، توازن در مثلث «علم، مهارت و فرد» در مشاوره، مثلث رازداری است.



مهم‌ترین نکته‌اش نیز اثرگذاری بسیار مرموز خصوصیت‌های فرد مشاور در اعمال مهارت‌هاست. مهارت از جنس عمل و توانایی است، لکن از طرز تلقی‌ها و فرهنگ وجودی مشاور اثر می‌پذیرد. اکنون چه باید کرد؟ بی‌تردید در فرایند انتخاب مشاوران باید با فرزاندگی عمل کرد. چه کسی قرار است در این موقعیت حساس قرار گیرد و موانع را از پیش روی مراجع بردارد؟ آیا خود مشاور موانعی جدی در خود دارد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، باید اندیشید و سامان مطلوب‌تری به کار مشاوره داد.

داشته است. هر قدر تحریر در فرایند علم زیاد شود، در نهایت به سرگیجه در مفاهمه تبدیل می‌شود.

مشاوری را در نظر بگیرید که تحصیلات خود را با سرگیجه گرفتن در فرایند فهم بنیادین این عرصه سپری کرده است. برخی علوم و حیطه‌ها وجود دارند که دانش آموخته نامتعادل در آن‌ها پیامدهایی منفی در رفتارها و عملکردهای انسان‌ها باقی می‌گذارد. چون با زندگی آدم‌ها رابطه وثیقی دارد. واقعا این نیروی فرزاندگی است که در مسیر آموختن و پردازش داده‌ها و اطلاعات به قصد بنای دانش، ابهام و ناپختگی را نمی‌پذیرد و پای سندی را که در آن خامی و ناپختگی وجود دارد، امضا نمی‌کند.

هر جا هم امضای عقل نباشد، از فرزاندگی تهی است. ناگفته نماند، تربیت مشاور فرزانه از جمله رسالت‌های مراکز دانشگاهی است، لکن خود فرد که به این عرصه حساس، یعنی آموختن قواعد مشاوره و سپس آموختن چگونگی زیستن به انسان‌ها از طریق رفع موانع، پا گذاشته است، باید هوشیارانه و عاقلانه عمل کند. عرصه مشاوره، به‌خصوص ارائه خدمات مشاوره‌ای به نوجوانان و جوانان، جز با راهنمایی خرد به سرانجام آمیخته به خرد منتهی نمی‌شود. لذا باید از هر دو جهت حساس بود و مشاوره فرزانه پرورش داد.

فرزاندگی در عمل، حیطه دیگر جویان خردورزی در مشاوره است. چه بسا دانشمندی قواعد علمی را به درستی و کفایت فهمیده و تحلیل‌های صحیح و کارگشا نیز به عمل آورده است، ولی وقتی قرار است با کلید علم قفلی را

باز کند، نمی‌تواند. گاهی نیز یا قفل را خراب می‌کند یا کلید را می‌شکند. انصافا مایه اندوه است که مشاور قفل خراب‌کن یا کلیدشکن باشد! نوعا مسائل مراجع به مثابه قفلی است که به هر دلیلی در ذهن و وجود او شکل گرفته است. با کدام کلید مشاوره‌ای باید قفل را باز کنیم؟ این پرسش بنیادین مشاوره در عمل است که پاسخ عملی را می‌طلبد. چه بسا یک متخصص مشاوره به‌طور نظری در پاسخ به

عرصه مشاوره، به خصوص ارائه خدمات مشاوره‌ای به نوجوانان و جوانان، جز با راهنمایی خرد به سرانجام آمیخته به خرد منتهی نمی‌شود